

تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)-۸

پناهیان: مبارزه با نفس، یعنی ارضاء نفس/کسانی که مبارزه با نفس می‌کنند از افراد هرزه بیشتر لذت می‌برند/ برای کشف علائق عمیق و میل خداپرستی، باید امیال سطحی را قربانی کنیم/مبارزه با لذت یعنی رسیدن به لذت بیشتر/ عقل قدرتی است برای انتخاب بهترین علاقه‌ها

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان در اولین ساعات بامداد(حدود ساعت ۲۴) در مسجد امام صادق(ع)-جنب میدان فلسطین، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند و پایان‌بخش برنامه شبهای این مسجد، دقایقی مداحی و سپس مناجات حجت الاسلام علیرضا پناهیان از ساعت ۱ تا ۱:۳۰ بامداد است. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در هشتمین جلسه را می‌خوانید:

انسان برای یک مبارزه و جنگ درونی، یعنی مبارزه با تمایلات خود آفریده شده است

- اصلی‌ترین ویژگی انسان که در تعریف او باید لحاظ شود این است: «**انسان دارای تمایلات متفاوت و متعارض آفریده شده است که معمولاً بر سر دوراهی بین این تمایلات قرار می‌گیرد، به این دلیل، به او حق انتخاب داده‌اند و برای انتخاب‌های خوبش به او ارزش می‌دهند**» سایر ویژگی‌های انسان از جمله اینکه می‌تواند علم و آگاهی به دست بیاورد همه برای این است که بتواند خوب و درست انتخاب کند.
- انسان وقتی از بین تمایلات متفاوتی که در وجودش هست، انتخاب می‌کند، لاجرم باید بعضی از تمایلات خود را قربانی کند. از اینجا است که بحث مبارزه با نفس شروع می‌شود. لذا مبارزه با نفس در تعریف انسان قرار می‌گیرد؛ یعنی انسان موجودی است که برای یک مبارزه و جنگ درونی، یعنی مبارزه با تمایلات خود آفریده شده است؛ و این جنگ درونی به خاطر تمایلات متعارض و متفاوتی است که درون انسان وجود دارد و اگر غیر از این بود، انسان یا فرشته بود و یا حیوان.

خدا در وجود انسان دو نوع علاقه قرار داده: ۱. سطحی، کم‌ارزش ولی آشکار ۲. عمیق، ارزشمند ولی پنهان

- برای اینکه مبارزه انسان با تمایلات خود درست شکل بگیرد، خداوند در وجود انسان دو نوع علاقه قرار داده است: یکی علاقه‌های عمیق و ارزشمند ولی پنهان و دیگری علاقه‌های سطحی، کم‌ارزش ولی پیدا و آشکار. **این دو نوع علاقه با هم مساوی نیستند بلکه علاقه‌های خوب و ارزشمند قوی‌تر از علاقه‌های کم‌ارزش یا بی‌ارزش هستند ولی چون پنهان هستند انسان باید از علاقه‌های سطحی و کم‌ارزش خود عبور کند و آنها را قربانی کند تا به علاقه‌های عمیق و خوب خودش برسد.**
- اگر علاقه‌های خوب و عمیق در وجود انسان آشکار بود، چون قوی‌تر بود طبیعتاً انسان همیشه این علاقه‌های خوب را انتخاب می‌کرد و اصلاً مبارزه با نفس شکل نمی‌گرفت. لذا خداوند علاقه‌های خوب را که قوی‌تر هستند در اعماق دل انسان پنهان کرده و علاقه‌های بد را که ضعیف‌تر هستند آشکار قرار داده است.

بعضی‌ها به اشتباه تصور می‌کنند علاقه‌های بد و سطحی آنها قوی‌تر هستند و مبارزه با آنها خیلی سخت است

- بعضی‌ها تصور می‌کنند که علاقه‌های بد، سطحی و کم‌ارزش در وجودشان قوی‌تر هستند و مبارزه با این تمایلات کار بسیار سختی است. در حالی که اگر مبارزه با این علاقه‌ها را شروع کنند کم‌کم از این مبارزه لذت می‌برند و دیگر برای این تمایلات بد و سطحی ارزشی قائل نخواهند بود. (اگر لذت ترک لذت بدانی، دگر شهوت نفس، لذت نخوانی)
- مبارزه با نفس به ظاهر سخت است از این جهت که شما یک علاقه و تمایل ظاهری دارید و می‌خواهید با آن مبارزه کنید و چون این تمایل، آشکار است فکر می‌کنید یک تمایل قوی است و این مبارزه را سخت و دشوار تلقی می‌کنید. ولی در اصل این مبارزه برای رسیدن به تمایلات پنهان‌تر و عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر است. لذا وقتی این مبارزه را شروع کردیم و کمی جلو رفتیم و کمی لذت تمایلات عمیق را چشیدیم، می‌فهمیم که اصلاً سخت نیست.
- ماهیت سختی و رنج این است که چیزی خلاف میل انسان باشد و ماهیت لذت و شادی و خوشی این است که چیزی مطابق میل انسان باشد. بنابراین **وقتی کسی با تمایلات بد خودش مبارزه می‌کند و تمایلات خوب خود را بیدار می‌کند و به علاقه‌های عمیق و ارزشمند خودش پاسخ مثبت می‌دهد، چنان لذتی می‌برد که آدم‌های هرزه و هوسران هرگز این لذت را نمی‌برند.**

- خداپرستی یک تمایل بسیار عمیق و لذت‌بخش در وجود انسان است. این تمایل، بسیار قوی‌تر و لذت‌بخش‌تر از تمایل به شهوات است، فقط پنهان‌تر است. لذا کسی که به تمایل خداپرستانه خود پاسخ مثبت می‌دهد و خدا را راضی می‌کند، لذتی می‌برد که هرگز کسی که هواس نفس خودش را ارضا می‌کند چنین لذتی نمی‌برد. به عنوان مثال، آیا کسی که برای راضی کردن هوای نفس خودش فحاشی می‌کند بیشتر لذت می‌برد، یا کسی که فحاشی نمی‌کند تا خدا را راضی کند؟ قطعاً لذتی که دومی می‌برد قابل مقایسه با اولی نیست. آیا کسی که برای راضی کردن هوای نفس خودش تلافی می‌کند و انتقام می‌گیرد، لذت بیشتری می‌برد یا کسی که برای رضای خدا می‌بخشد؟

هر کس در این دنیا از خدا بیشتر لذت ببرد، خدا به او بیشتر پاداش می‌دهد

- جالب اینجاست آن کسی که از راضی کردن خدا بیشتر لذت می‌برد و در واقع به خاطر لذت بیشتری که می‌برد به خدا بیشتر بدهکار است، خداوند به او پاداش بیشتری هم می‌دهد و او را در درجات بالاتر بهشت جای می‌دهد. این لطف و کرم خداست که هر کسی بیشتر از خدا بهره ببرد خدا در بهشت هم نعمات بیشتری به او می‌دهد. یعنی هر کس در این دنیا از خدا بیشتر لذت ببرد و از دنیا سود بیشتری ببرد، خدا بیشتر به او پاداش می‌دهد.
- وقتی یک مادر برای فرزندش غذایی درست می‌کند، هرچقدر این فرزند از غذای مادر بیشتر خوشش بیاید و بیشتر بخورد مادر بیشتر خوشحال می‌شود. و خداوندی که همه مادرها را خلق کرده است قطعاً از همه آنها نسبت به بندگانش مهربان‌تر است.
- پیامبر گرامی اسلام (ص) در جریان یکی از جنگ‌ها، مادری را دید که در بحبوحه میدان نبرد و در گرمای شدید آفتاب، فرزندش را در آغوش گرفته است و فارغ از همه‌جا، دارد به او شیر می‌دهد، در این حال یاران خود را خطاب قرار داد و فرمود: «آیا از مهربانی این مادر نسبت به فرزندش تعجب می‌کنید؟! قطعاً محبت خداوند به شما بندگان از محبت این مادر به طفل شیرخوارش بیشتر

است.» (آنه اوقف صبیّ فقال: أعجبت من رحمة هذه ابنها، إن الله أرحم بكم جميعاً من هذه بابنها؛ رياض السالكين/ج ۲/ص ۱۷۲)

کسی که مبارزه با نفس می‌کند کار شاقی نکرده؛ اتفاقاً بیشتر لذت برده و بیشتر بدهکار خدا شده

- کسی که با هوای نفس خود مبارزه می‌کند نباید تصور کند خیلی هنر کرده و کار شاقی انجام داده است چون لذتی می‌برد که آدم‌های هرزه و عرق خود هرگز این لذت را نمی‌برند. او نه تنها از خدا طلبکار نشده، بلکه اتفاقاً بیشتر بدهکار خدا شده است، چرا که خواسته عمیق دل خود را ارضا کرده است و لذت بیشتری برده است و به همان چیزی که واقعاً علاقه و تمایل داشته رسیده است و تازه خدا در قبال این کار به او بهشت هم می‌دهد! و این از لطف خداست، ولی ما نباید تصور کنیم کار زیادی انجام داده‌ایم.

کسانی که مبارزه با نفس می‌کنند از افراد هرزه بیشتر لذت می‌برند/ مبارزه با نفس، یعنی ارضاء نفس

- کسانی که هرزگی می‌کنند به اندازه کسانی که ارضاء خواسته‌های عمیق فطری پنهان خود می‌پردازند، لذت نمی‌برند و شاداب نمی‌شوند. چون مبارزه با نفس در واقع یعنی ارضاء نفس، یعنی عبور از علاقه‌های سطحی نفس برای پاسخ دادن به علاقه‌های عمیق و خوب نفس.
- رسول اکرم(ص) می‌فرماید: هر کس به خاطر خدا (از ترس خدا) چشم از حرام بردارد و دل از حرام ببرد خداوند لذت معنوی و طعم عبادتی به او می‌چشاند که او را شاداب و مسرور کند. (النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهْمٍ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ؛ جامع الاخبار/ص ۱۴۵) و (النَّظْرُ إِلَى مَحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سَهْمٍ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرَةٍ؛ مستدرک الوسائل/ج ۱۴/ص ۲۷۱) و اگر کسی از این هوس صرفنظر کرد و به آن لذت عمیق نرسید و طعم عبادت را نچشید بداند که حتماً به خاطر خدا نبوده است و الا به این لذت می‌رسید.

برای کشف علاقه‌های عمیق و پنهان و میل خداپرستی، باید هوس‌ها و امیال سطحی را قربانی کنیم

- برای اینکه آن علاقه عمیق و پنهان خود (میل به خداپرستی) را کشف کنیم باید با علاقه‌های سطحی و بی‌ارزش خودمان مبارزه کنیم و آنها را قربانی کنیم، یعنی باید جلوی شهوات و هوس‌های خود را بگیریم. لذا باید سر سجاده نماز بگوییم: «خدایا! من فعلاً اسیر علاقه‌های سطحی خودم هستم و لذت پرستش تو را درک نمی‌کنم ولی شنیده‌ام خبری هست و سخن پیامبر را قبول کرده‌ام، فعلاً بدون اینکه لذت نماز را بچشم نماز می‌خوانم...»
- اصلاً همین نماز خواندن یک مبارزه با نفس است. چون در آغاز برای ما جذابیتی ندارد و دوست داریم فقط برای رفع تکلیف، زود نمازمان را بخوانیم و تمام کنیم، ولی برای اینکه حال نفس خودمان را بگیریم و با این هوس مبارزه کنیم باید با آرامش و طمأنینه و بدون عجله نماز بخوانیم.

مبارزه با نفس یعنی رسیدن به نفس و مبارزه با لذت یعنی رسیدن به لذت؛ اما لذتی عمیق و سرشار

- وقتی انسان به سمت خوبی‌ها و علاقه‌های عمیق خودش حرکت کند و در این راه با علاقه‌های سطحی خود مبارزه کند، قطعاً لذت آن را می‌چشد و خداوند به سرعت این لذت را به ما خواهد چشاند. اساساً مبارزه با نفس یعنی رسیدن به نفس، و مبارزه با لذت یعنی رسیدن به لذت؛ البته یک لذت عمیق و سرشار نه یک لذت سطحی و کم. به همین خاطر است که بعضی‌ها حریص عبادت هستند، در خانه خدا منتظر می‌نشینند، و با نفس خود مبارزه می‌کنند و اینگونه از زندگی خودشان واقعاً لذت می‌برند.

زندگی انسان یعنی: انتخاب علاقه بهتر نسبت به علاقه کمتر به وسیله «عقل»/عقل قدرتی است برای

انتخاب بهترین علاقه‌ها

- بنابراین زندگی انسان این‌گونه تعریف می‌شود: «انتخاب علاقه بهتر نسبت به علاقه کمتر» این انتخاب به وسیله قدرتی در انسان صورت می‌گیرد به نام «عقل». عقل موجودی بود که وقتی خدا آن را آفرید به او فرمود که من انسان را به تو می‌سپارم و من به واسطه تو پرستش خواهم شد. (العقلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ هدایه الامه/ج ۱/ص ۴)
- عقل با علم فرق می‌کند. لذا وقتی کسی بدترین انتخاب را انجام دهد می‌گویند تو عقل نداری و وقتی بهترین انتخاب را انجام دهد می‌گویند تو عاقل هستی.
- وجود انسان آفریده شده است برای انتخاب و الا نمی‌تواند ارزش افزوده تولید کند. انتخاب هم باید بین دو تا علاقه باشد که یکی قوی‌تر ولی پنهان است و دیگری ضعیف‌تر ولی آشکار است. آنچه مانع کشف علاقه‌های عمیق و پنهان است، همین علاقه‌های ضعیف‌تر و آشکار یعنی همین هواها و هوس‌ها هستند. لذا انسان باید مدام با هواهای نفسانی یا علاقه‌های سطحی و آشکار خود مبارزه کند و آنها را قربانی کند تا به علاقه‌های عمیق فطری خود برسد. و انسان این کار را با «عقل» انجام می‌دهد. عقل به ما می‌گوید: فریب این علاقه‌های ظاهری را نخور! علاقه‌ها عمیق‌تر تو لذت بیشتری دارند، از این علاقه‌های سطحی بگذر تا به آن علاقه‌های عمیق خود برسی.

چرا گنهکارها در خانه خدا نمی‌روند؟

- چرا گنهکارها در خانه خدا نمی‌روند؟ چون از خدا بدجوری می‌ترسند و فکر می‌کنند خدا می‌خواهد حساب آنها را برسد. خودشان با خدا قهر هستند و فکر می‌کنند که خدا با آنها قهر است.
- شما وقتی توبه می‌کنید و از خدا می‌ترسید، خدا را چگونه تلقی می‌کنید؟ چرا دل‌تان می‌گیرد و توبه می‌کنید؟ آیا به خاطر این از خدا عذرخواهی می‌کنید که حرف خدا را گوش نکرده‌اید و حالا می‌ترسید حساب شما را برسد؟! چون می‌ترسید خدا شما را بزند توبه می‌کنید؟ آیا خدا را در طرف مقابل خود می‌بینید؟ در حالی که خدا می‌خواست شما بیشتر لذت ببرید، خدا می‌خواست علاقه‌های فطری خود را شکوفا کنید و بیشتر لذت ببرید، لذا چون شما به خودتان آسیب زده‌اید و بیشتر لذت نبرده‌اید، از شما ناراحت شده است؛ از بس که ما را دوست دارد ناراحت شده است. الان هم نمی‌خواهد شما را بزند، بلکه می‌خواهد شما برگردید.
- امام باقر(ع) می‌فرماید: وقتی بنده‌ای توبه می‌کند انگار خداوند گمشده خود را پیدا کرده است. خدا می‌فرماید وقتی بنده گنهکار من می‌آید و توبه می‌کند، مثل کسی هستم که در بیابان سفر می‌کند و در تاریکی شب آذوقه خود را گم کرده است و دارد دنبال آذوقه خود می‌گردد که ناگهان در دل تاریکی آذوقه خود را پیدا می‌کند، او چقدر خوشحال می‌شود؟! من وقتی بنده گنهکارم توبه می‌کند و به سمت من برمی‌گردد همان قدر خوشحال می‌شوم (إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَأْسَهُ وَ زَادَهُ فِي لَيْلَةٍ ظُلْمًا فَوَجَدَهَا فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ بِرَأْسِهِ حِينَ وَجَدَهَا) (کافی/ج ۲/ص ۴۳۵)
- لذا باید برگردیم و از اول خداشناسی، انسان‌شناسی و حیات‌شناسی خود را درست کنیم.

